

علم هرمنوٹیک

ریچارد ا. پالمر

ترجمہ محمد سعید حنایی کاشانی



فهرست

- پیش‌گفتار ۱
اختصارات ۵

باب اول: درباره‌ی تعریف و دامنه و اهمیت علم هرمنوتیک

۱. مقدمه ۹
۲. «هرمینوین» و «هرمینیا»: اهمیت جدید استعمال قدیم آن‌ها ۱۹
۳. شش تعریف جدید از علم هرمنوتیک ۴۱
۴. جدال معاصر بر سر علم هرمنوتیک: بتی در برابر گادامر ۵۵
۵. معنا و دامنه‌ی علم هرمنوتیک ۷۷

باب دوم: چهار نظریه‌پرداز بزرگ

۶. دو پیشگام شلایرماخر ۸۵
۷. طرح شلایرماخر در خصوص علم هرمنوتیک عام ۹۵
۸. دیلتای: علم هرمنوتیک به منزله‌ی بنیاد «علوم انسانی» ۱۰۹
۹. مساهمت هایدگر از جهت طرح علم هرمنوتیک در هستی و زمان ۱۳۷
۱۰. مساهمت تفکر متأخر هایدگر در نظریه‌ی هرمنوتیکی ۱۵۵
۱۱. نقد گادامر از زیباشناسی جدید و آگاهی تاریخی ۱۷۹
۱۲. علم هرمنوتیک دیالکتیکی گادامر ۲۱۵

باب سوم: بیانیه‌ای هرمنوتیکی برای تأویل ادبی در امریکا

۱۳. به سوی طرح مجدد این پرسش که: تأویل چیست؟ ۲۴۵
۱۴. سی نظر در باب تأویل ۲۶۷

- کتابنامه ۲۸۱

۱ مقدمه

علم هرمنوتیک کلمه‌ای است که در محافل کلامی و فلسفی و ادبی هر روز بیش از روز پیش شنیده می‌شود. «جنبش هرمنوتیک نوین» در علم کلام پروتستانی اروپایی به صورت جنبشی مسلط در آمده است و بر این ادعاست که علم هرمنوتیک «کانون» مسائل کلامی امروز است.^۱ سه «گردهمایی در باب هرمنوتیک»^۲ به صورت بین‌المللی در دانشگاه درو [Drew] تشکیل شده است، و چندین کتاب تازه به انگلیسی در باب علم هرمنوتیک در زمینه‌ی کلامی در دسترس است.^۳ مارتین هایدگر نیز در مقالاتی که به‌تازگی منتشر کرده است از صفت پیوسته هرمنوتیکی تفکر خودش، هم در دوره‌ی متقدم و هم در دوره‌ی متأخر^۴، بحث می‌کند. به گفته‌ی هایدگر، خود فلسفه «هرمنوتیکی» است (یا خواهد شد). و بالاخره در ۱۹۶۷ انزوای

۱. رجوع شود به این گفته‌ی گرهارد ابلینگ که علم هرمنوتیک Brennpunkt (کانون) مسائل کلامی امروز است، در:

Gerhard Ebeling, "The Significance of the Critical-Historical Method for Church and Theology in Protestantism", *WF* 27;

این مقاله ابتدا به عنوان رساله‌ای برنامه‌دار در نشریه‌ی زیر منتشر شد:

ZThK, XLVII (1950), 1-46.

۲. در ۱۹۶۲، ۱۹۶۴، ۱۹۶۶. مقالاتی از گردهمایی ۱۹۶۲ در *NH* منتشر شد و از همایش‌های ۱۹۶۶ نیز این کتاب:

Interpretation: The Poetry of Meaning. ed. Stanley R. Hopper and David L. Miller.

کتابی که دقیقاً مرتبط با این گردهمایی‌هاست عبارت است از:

The Later Heidegger and Theology, ed. James M. Robinson and John B. Cobb, Jr.

۳. علاوه بر نشریه‌ی *NH* و کتاب تازه‌ی زیر از:

Robert W. Funk, *Language, Hermeneutic, and Word of God*.

رجوع شود به مجموعه کتاب‌هایی از نشریه‌ی علم کلام و کلیسا با ویرایش رابرت و. فانک و گرهارد ابلینگ، به ویژه:

The Bultmann School of Biblical Interpretation: New Directions? and History and Hermeneutic.

4. "Aus einem Gespräch von der Sprache", *US*, esp. 95-99, 120-32, 136, 150-55.

پرشکوه و جلال نقد ادبی امریکا از علم هرمنوتیک نیز با کتاب ا.د. هیرش با عنوان اعتبار در تأویل از هم گسیخت. رساله‌ی هیرش جستاری تمام عیار در علم هرمنوتیک است که تحدی‌های بزرگی با اندیشه‌های بسیار رایج در نقد ادبی شایع و متداول دارد. از نظر هیرش، علم هرمنوتیک می‌شاید و می‌باید که دانش مضبوط [discipline] بنیادی و مقدماتی هر تأویل ادبی قرار بگیرد.

با دعاوی معاصر در اهمیت بنیادین علم هرمنوتیک در سه دانش مضبوط انسانی – علم کلام و فلسفه و تأویل ادبی – نیز روشن‌تر می‌شود که اهمیت این رشته در نزد پیشگامان تفکر امریکایی در چند سال آینده بیشتر خواهد شد. اما لفظ هرمنوتیک در فلسفه یا نقد ادبی کلمه‌ای بیگانه است و حتی در علم کلام نیز به نظر می‌آید که استعمال آن اغلب به معنایی محدود و مقید است که با استعمال گسترده‌ی آن در «جنبش هرمنوتیک نوین» کلامی معاصر فرق دارد. لذا اغلب پرسش این است که علم هرمنوتیک چیست؟ در سومین ویرایش فرهنگ بین‌المللی جدید وستر، ذیل hermeneutics، می‌خوانیم: «مطالعه‌ی اصول روش‌شناختی تأویل و تبیین؛ به ویژه: مطالعه‌ی اصول کلی تأویل کتاب مقدس.» چنین تعریفی شاید آن‌هایی را که صرفاً می‌خواهند فهمی کافی از خود کلمه داشته‌باشند راضی سازد؛ و همچنین آن‌هایی که امیدوارند از میدان علم هرمنوتیک تصویری فراخ‌تر کسب کنند. متأسفانه هنوز بحث روشنگرانه و جامعی از علم هرمنوتیک به منزله‌ی دانشی با ضوابط کلی در دست نیست، گرچه مقدمه‌های بسیار خوبی به بحث «هرمنوتیک» [hermeneutic] (بدون s [بی‌آن‌که علم شمرده شود]) در زمینه‌ی علم کلام نوشته شده است. اما حتی این منابع نیز مدعی آن نمی‌شوند که برای فهم ماهیت و اهمیت علم هرمنوتیک به منزله‌ی ضوابطی کلی و غیرکلامی مبنایی کافی فراهم می‌آورند.

بنابراین نیاز مبرمی به بحثی مقدماتی از علم هرمنوتیک در زمینه‌ی غیرکلامی وجود دارد که توجه اصلی آن به روشن کردن معنا و دامنه‌ی این لفظ باشد. در مطالعه‌ی حاضر، کوشش بر این است که به این نیاز پاسخ گفته شود. این کتاب خواننده را با جریان سیال علم هرمنوتیک و مسائل پیچیده‌ی نهفته در تعریف آن آشنا می‌سازد و ضمناً به بحث از اساسی‌ترین مسائلی می‌پردازد که چهارتن از مهم‌ترین متفکران درباره‌ی این موضوع مطرح کرده‌اند. و البته فهرستی از مراجع اصلی نیز برای بیشتر این مباحث فراهم آمده است.

به هر تقدیر، این کتاب از نظر مؤلف در زمینه‌ی برنامه‌ی دیگری نیز قرار می‌گیرد، و آن برنامه‌ی حرکت به سوی رویکردی مناسب‌تر نسبت به تأویل ادبی است. در نظریه‌ی هرمنوتیکی آلمانی می‌توان مبانی فلسفی لازم برای رسیدن به فهمی اساساً جامع‌تر از مسائل موجود در تأویل ادبی را یافت. بدین ترتیب، هدف از کاویدن علم هرمنوتیک در این کتاب با قصد دیگری نیز وفق داده شده است و آن ترسیم خاستگاه ملاحظاتی است که نظریه‌پردازان ادبی امریکا می‌توانند به گونه‌ی پرمعنایی پرسش تأویل را قبل از هر ملاحظه‌ای در باب کاربستن فنون تحلیل ادبی باز مطرح کنند. بنابراین، قصد برنامه‌دار این کتاب، فراخواندن تأویل ادبی امریکایی به کاویدن دوباره در زمینه‌ی پدیدارشناختی این پرسش است که: تأویل چیست؟ این مطالعه نهایتاً رویکرد مشخصی به این پرسش پیشنهاد می‌کند و آن رویکرد پدیدارشناختی است. این مطالعه کافی‌ترین زمینه‌ی کاویدن این پرسش را در علم هرمنوتیک پدیدارشناختی، در تقابل با شیوه‌های دیگر، می‌بندد.

با توجه به قصد برنامه‌دار این مطالعه در خصوص تأویل ادبی، در دو بخش زیر، برخی ملاحظات مقدماتی در باب وضعیت نقد ادبی امریکا و نیاز تفکر ادبی امریکا به کسب تأیید مجدد فلسفی ارائه می‌شود.

برخی نتایج عینیت متعارف در نقد ادبی امریکا

تأویل ادبی در انگلستان و امریکا عمدتاً در چارچوب واقع‌گرایی^۵، به تعبیر فلسفی، صورت می‌گیرد. محض نمونه، گرایش این مکتب متوجه این پیش‌فرض است که اثر ادبی صرفاً در جهان «خارج» و ذاتاً مستقل از ادراک‌کنندگان آن واقع است. ادراک هرکس از اثر را باید جدا از خود اثر انگاشت و وظیفه‌ی تأویل ادبی سخن گفتن درباره‌ی «خود اثر» است. نیات و مقاصد مؤلف نیز دقیقاً از اثر جدا نگه داشته می‌شود؛ اثر «موجود»ی فی‌نفسه است، موجودی که توانایی‌ها و تحرکات خاص خودش را دارد. نمونه‌ی متعارف تأویل‌کننده‌ی دوره‌ی جدید کسی است که عموماً از «خودمختاری هستی» اثر ادبی دفاع می‌کند و وظیفه‌ی خود را جاری کردن این هستی در سراسر تحلیل متن می‌داند. و بدین ترتیب جدایی ابتدایی فاعل و موضوع

۵. رجوع شود به: